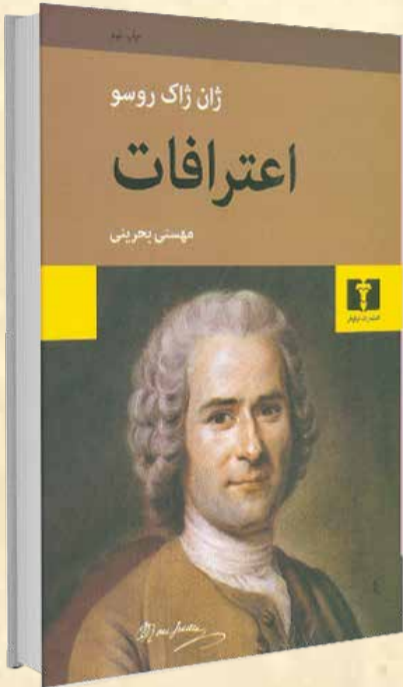


روسو می گوید: من دست به کاری می‌زنم که هرگز سابقه‌ای نداشته است و در آینده هم هیچ کس نخواهد توانست از آن تقلید کند. می‌خواهم مردی را با تمام خصوصیات حقیقی و طبیعی خود به همنوعانم نشان دهم. و این مرد، من خواهم بود!

یک اعتراف نامه شاهکار...

## اعترافات خواندنی جناب روسو

ریحانه میرحسینی  
کارشناس ارشد ادبیات



می‌توانم به صراحت بگویم ممکن است زندگی‌نامه یا خاطرات بسیاری که نویسندگان بزرگ از زندگی خود شرح داده‌اند خواننده و به آنها علاقه‌مند شده باشید، اما این را هم می‌توانم به شما قول بدهم که اعترافات ژان ژاک روسو برای شما از همه آنها متفاوت‌تر باشد. زیرا مانند هیچ یک نیست، چون اعترافات است.

قبل از معرفی این کتاب، دوست دارم چند خطی از آن را با شما شریک شوم تا بدانید بی‌دلیل نیست که به آن می‌گویم شاهکار. روسو می‌گوید: من دست به کاری می‌زنم که هرگز سابقه‌ای نداشته است و در آینده هم هیچ کس نخواهد توانست از آن تقلید کند. می‌خواهم مردی را با تمام خصوصیات حقیقی و طبیعی خود به همنوعانم نشان دهم. و این مرد، من خواهم بود!

می‌گوید: بانگ صور قیامت گوهرگاه که می‌خواهد برخیزد، خواهم آمد، این کتاب را به دست گرفته و در پیشگاه داور متعال حاضر خواهم شد. و به آواز بلند خواهم گفت: این است آنچه کرده‌ام، آنچه اندیشیده‌ام، آنچه بوده‌ام.

اعترافات ژان ژاک روسو را انتشارات نیلوفر با ترجمه بسیار خوب مهستی بحرینی به چاپ رسانده است و این کتاب خود به دو کتاب تقسیم می‌شود، کتاب اول شامل ۶ دفتر افترا اعترافات او و کتاب دوم هم شامل ۶ دفتر دیگر از اعترافات روسو که در آغاز کتاب دوم

گفته است: این یادداشت‌ها که آکنده از هر گونه غلطی است و من حتی فرصت آن را ندارم که دوباره بخوانمش، کافی است تا راه وصول به حقیقت را به هر کس که دوستدار آن است نشان دهد و او را قادر سازد با شناختی که خاص خود اوست آن را به دست آورد. متأسفانه به نظر دشوار و حتی ناممکن می‌نماید که این یادداشت‌ها بتواند از چشم بیدار دشمنانم بگریزد. اگر به دست مردی شرافتمند بیفتد.

این شاهکار روسو، همه رویدادهای زندگی او را از دوران کودکی تا سال‌های پایانی عمرش، با ذکر تمامی جزئیات، دربرمی‌گیرد. ولی علاوه بر همه اینها پیش از آنکه به کارهای او در موقعیت‌های گوناگون زندگی‌اش برسد و ماجراهایی را که از سر گذرانیده تعریف کند، به شرح احساسات، عقاید و اندیشه‌های او می‌پردازد. روسو اعترافات را در سال‌های ۱۷۶۵ تا ۱۷۷۰ نوشت و زندگی خود را از آغاز تا سال ۱۷۶۶ که جزیره سن پییر را ترک گفت، در این کتاب صادقانه باز نمود. او در

این اثرش بدون پرده پوشی به عیب‌ها و خطاهایش اعتراف می‌کند و می‌گوید چه ضعف‌ها و اشتباهاتی در طول زندگی مرتکب شده و از آنها درس گرفته است. همچنین از عشق بسیار زیاد و بدون پایانش به طبیعت، که با تمامی جان

او پیوند داشت، به تفصیل سخن گفته است. بنابراین هیچ نکته مبهمی در زندگی او وجود ندارد که به خواننده نگویید و با زبانی کاملاً آشنا صحبت می‌کند. گویی که تمام افرادی که او را می‌خوانند می‌شناسند و

بانگ صور قیامت گوهرگاه که می‌خواهد برخیزد، خواهم آمد، این کتاب را به دست گرفته و در پیشگاه داور متعال حاضر خواهم شد. و به آواز بلند خواهم گفت: این است آنچه کرده‌ام، آنچه اندیشیده‌ام، آنچه بوده‌ام



# سربازان از نگاه دشمن

عشق به امام حسین (ع) نقطه اتصال در جنگ ایران و عراق

مهدیه جاهد  
خبرنگار

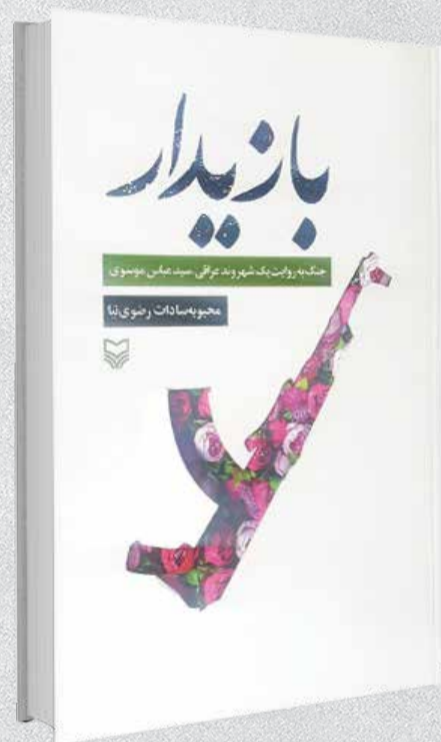
خللی به اصل کتاب وارد نمی‌کند. خانم رضوی نیا گویا به خاطر ارادتی که به او پیدا کرده است خود را ملزم کرده زندگی او را با تمام جزئیات بیان کند. هر چند که بیان آنها باعث شود سرنوشت و آینده راوی ناگفته بماند. این در حالی است که پس از ۳۰ سالگی سیدعباس و موقعیت شغلی او در کشور پر حادثه‌ای مثل عراق روایت بهتری را از جنگ بیان می‌کرد.

دیگر اینکه نویسنده طبق گفته خودش در مقدمه به خاطر حفظ امانت تمام دیالوگ‌ها و گفت‌وگوهایی را که از زبان او است با همان لهجه شکسته و بسته نیمه فارسی نیمه عربی آورده است. به این صورت که مخاطب در تمام کتاب در حال خواندن رسمی نوشته است و ناگهان وقتی به گفت‌وگوها می‌رسد با فارسی لهجه دری مواجه می‌شود. این اتفاق هم تمرکز خواننده را از متن دور می‌کند و هم در بسیاری از مواقع باعث سخت خوانی و ناخوانایی گفت‌وگو شده است. در متن کتابی که نزدیک به ۵۰۰ صفحه است و نیمی از کتاب گفت‌وگو از زبان او است، این سبک نگارش خسته کننده و کسل کننده است و خواندنش را رنج آور کرده است. برای همین ممکن است خواننده از روی گفت‌وگوها ببرد یا حوصله خواندن کتاب تا آخر را نکند.

خانم رضوی نیا همچنین در «گفتار نویسنده» ذکر کرده‌اند که مصاحبه‌شان از کودکی تا ۳۰ سالگی سیدعباس یعنی زمانی که مدت خدمتش در ارتش عراق پایان می‌پذیرد انجام شده و بقیه زندگی‌نامه سید که مربوط به انتفاضه شعبانیه، اشتغال سیدعباس به عنوان آشپز در سفارت ایران در بغداد و جنگ با داعش است تا تمام مانده. وجود عکس‌ها از این خاطرات فقدان آن را بخوبی نمایش می‌دهد.

کتاب در ۲۰ فصل نوشته شده است که البته بعد از فصل ۲ وارد فصل ۴ می‌شود. یعنی کتاب فصل ۳ ندارد. و مشخص هم نیست که این کار عمدی است یا سهوی.

عناوین فصل بندی‌ها هم آنچه باید را به مخاطب القا نمی‌کند و می‌توانست عنوان بندی بهتری داشته باشد. عناوین همه با اسم اشخاص برجسته هر فصل نام گذاری شده است. در هر صورت باز پیدار با ۴۷۰ صفحه به انضمام چند صفحه عکس و نقشه نتوانسته است درون مایه مد نظرش را به مخاطب برساند و پس از خواندن کتاب خواننده جز احساس خستگی و علم لاینفک حسن دیگری نخواهد داشت. این کتاب توسط انتشارات سوره مهر وارد بازار نشر شده است.



در همان ابتدای کتاب نویسنده توضیح مختصری در مورد معنای نام کتاب آورده است که گره ذهنی مخاطب را باز کند. اما همین هم کفایت فهم ربط عنوان با محتوای کتاب قطور حدوداً ۵۰۰ صفحه‌ای باز پیدار را نمی‌دهد.

باز پیدار طراحی جلد شکلی دارد. طرح با محتوای کتاب تقریباً همخوانی دارد اما با عنوان نه. یا توجه به نام کمتر استفاده شده و دور از ذهن برای مخاطب، اگر در طراحی جلد هم اثری از تفهیم معنای عنوان به مخاطب پیدا کرد، بهتر می‌بود.

با ۴۷۰ صفحه اطلاعاتی از او طرف هستیم که شاید نیم بیشتر این اطلاعات اضافی، بی‌مورد و حتی کسل کننده است. زیر عنوان کتاب جنگ به روایت یک شهروند عراقی است اما در واقع نیمی از ۲۰ فصل کتاب به زندگینامه راوی اختصاص دارد.

نه اینکه اثری از جنگ در کتاب نباشد، در قسمت‌های زیادی و با محتوای روایت نسبتاً پر تکراری از نحوه ورود نیروها به ارتش عراق و رویارویی ارتش با مردم خود عراق و نحوه برخورد افسران و ژنرال‌های ارتش با سربازان در کتاب آمده است. اما همین میزان خاطرات برای پیشبرد کتاب کافی به نظر می‌آید و اگر بسیاری از این فصول و روایت‌های شخصی حذف شود

